



دانشگاه پیام نور تهران

عنوان

بررسی و تحلیل سیمای زن

در منظومه ویس و رامین و منظومه خسرو و شیرین

استاد راهنما

دکتر فاطمه توکلی رستمی

استاد مشاور

دکتر بهناز پیامنی

نگارش

مهناز شعبان پور کلاگر

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

تابستان ۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیم

به پدر مهربانم، که حتی در نبودش، در مکان و زمان جاری است.

## تقدیم

به مادر مهربانم، که در دامن گهربارش لحظه‌های مهربانی را به من آموخت.

## تقدیم

به همسر مهربانم، که همراه و مشوق همیشگی من است.

## سپاس

سپاس خدایی را که مرا در دریای دانش یاری نمود و همواره یاری دهنده و چراغ روشنی بخش راهم بوده است. بر خود وظیفه می‌دانم مراتب تشکر و قدردانی خود را از کسانی که مرا در پدید آوردن این اثر دلسوزانه یاری نموده‌اند بیان کنم.

با تقدیر و سپاس از استاد فرهیخته سرکار خانم دکتر توکلی که همواره راهنما و راه‌گشای نگارنده در اتمام و اکمال پایان نامه بوده است.

و با سپاس و تشکر از استاد ارجمند سرکار خانم دکتر پیامنی که با زحمات بی‌دریغ‌شان نگارنده را در به پایان رساندن پایان نامه یاری نموده‌اند.

و با سپاس و تشکر از استاد عالی قدر سرکار خانم محمدی بدر که با لطف و محبت خود زحمت داوری این پایان نامه را قبول فرمودند.

و با سپاس بی‌دریغ خدمت دوست گران مایه‌ام آقای پاکزاد که مرا صمیمانه و مشفقانه یاری دادند.

و با تشکر خالصانه خدمت همه کسانی که به نوعی مرا در به انجام رساندن این مهم یاری نموده‌اند.

## چکیده

در بسیاری از آثار منظوم عاشقانه کارکردها و کنش‌های رفتاری زنان، پیش برنده‌ی روند داستان-ها هستند. بررسی دو منظومه‌ی عاشقانه‌ی ویس و رامین و خسرو و شیرین نشان می‌دهد که زنان در این منظومه‌ها دارای بیشترین کارکرد هستند. شخصیت مرکزی در این دو داستان، زنانی‌اند که به خاطر زیبایی ظاهریشان بیشترین و برجسته‌ترین نقش را دارا هستند. پرداختن به این جنبه از نقش زنان باعث شده است تا دیگر کارکردهای رفتاری زنان در جامعه، از جمله در فعالیتهای سیاسی و اقتصادی و حتی زندگی زناشویی بسیار کمرنگ‌تر جلوه کند.

این پایان نامه با بهره‌گیری از بررسی همه جانبه و مفصل این دو داستان و بیرون کشیدن زوایای مختلف رفتارهای شخصیتی آنها، در نهایت به تحلیل این روابط نیز پرداخته است. تحلیلی که کارکرد نقش معشوقگی را در بیشترین کاربرد خود نشان می‌دهد.

همچنین نشان داده می‌شود که آزادی زنان در این دوره‌هایی که این دو داستان در آنها سروده شده است، از جنس آزادی‌هایی است که در دوران پس از آن بسیاری از آنها از زنان سلب می‌شود. واژگان کلیدی: زن، ویس، شیرین، ایران، اسلام

## «فهرست مطالب»

۱-۲.....	مقدمه و کلیات تحقیق.....
۳.....	تعریف مساله و بیان سوالهای تحقیق.....
۴-۵.....	فرضیه‌ها و هدف تحقیق.....
۵.....	سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....
۵.....	روش انجام تحقیق.....
۶-۲۵.....	فصل اول: زن پیش از اسلام.....
۷-۹.....	۱-۱- زن و الهه‌ها.....
۹-۱۰.....	۲-۱- زن و دوران مادرشاهی.....
۱۰-۱۲.....	۳-۱- زن و کار در جامعه.....
۱۲-۱۳.....	۴-۱- جایگاه و حقوق اجتماعی زنان.....
۱۴.....	۵-۱- جایگاه و نقش اجتماعی زنان.....
۱۴-۱۵.....	۶-۱- زن و آیین زرتشت.....
۱۵-۱۸.....	۷-۱- زن و آیین زناشویی.....
۱۸-۱۹.....	۸-۱- زن و جامه و پوشش ظاهری.....
۲۰-۲۱.....	۹-۱- زن و نقش مادری.....
۲۱.....	۱۰-۱- زن و نقش همسری.....
۲۱-۲۳.....	۱۱-۱- زن و تعدد زوجات.....
۲۴-۲۵.....	یادداشت‌ها:.....
۲۶-۳۶.....	فصل دوم: زن پس از اسلام.....
۳۶.....	یادداشت‌ها:.....

فصل سوم: تحلیل و بررسی منظومه عاشقانه ویس و رامین.....	۱۸۴-۳۷
۱-۳- درباره‌ی شاعر.....	۳۸-۴۱
۲-۳- درباره‌ی ویس و رامین.....	۴۲-۴۴
۳-۳- خلاصه منظومه ویس و رامین.....	۴۵-۴۶
۴-۳- بررسی منظومه ویس و رامین.....	۴۷-۱۴۰
۵-۳- بررسی شخصیت‌های زن منظومه ویس و رامین.....	۱۴۱-۱۵۴
۱-۵-۳- شهرو.....	۱۴۱-۱۴۴
۲-۵-۳- ویس.....	۱۴۵-۱۵۱
۳-۵-۳- دایه.....	۱۵۲-۱۵۳
۴-۵-۳- گل.....	۱۵۳-۱۵۴
۵-۵-۳- زرین گیس و مادر موبد.....	۱۵۴
۶-۳- تحلیل منظومه ویس و رامین.....	۱۵۵-۱۶۶
۷-۳- زیبایی شناسی منظومه ویس و رامین.....	۱۶۷-۱۶۸
یادداشت‌ها:	۱۶۹-۱۸۴
فصل چهارم: تحلیل و بررسی منظومه عاشقانه خسرو و شیرین.....	۲۸۱-۱۸۵
۱-۴- درباره‌ی شاعر.....	۱۸۶-۱۸۸
۲-۴- درباره‌ی خسرو و شیرین.....	۱۸۹-۱۹۱
۳-۴- خلاصه منظومه خسرو و شیرین.....	۱۹۲-۱۹۷
۴-۴- بررسی منظومه خسرو و شیرین.....	۱۹۸-۲۴۹
۵-۴- بررسی شخصیت‌های زن منظومه خسرو و شیرین.....	۲۵۰-۲۶۱
۱-۵-۴- مهین بانو.....	۲۵۰-۲۵۱
۲-۵-۴- مریم.....	۲۵۱-۲۵۳
۳-۵-۴- شکر.....	۲۵۳-۲۵۵
۴-۵-۴- شیرین.....	۲۵۵-۲۶۱

۲۶۲-۲۶۹	۶-۴- تحلیل منظومه خسرو و شیرین.....
۲۷۰	۴-۷- زیبایی شناسی منظومه خسرو و شیرین.....
۲۷۱-۲۸۱	یادداشت‌ها: .....
۲۸۲- ۲۸۳	نتیجه‌گیری.....
۲۸۴-۲۸۷	منابع.....
۲۸۸	چکیده انگلیسی.....



## مقدمه:

چون صبح ازل ز عشق دم زد      عشق آتش شوق در قلم زد

بررسی ادبیات غنایی ایران با نام‌هایی گره خورده است که هر کدامشان سهمی بسزا در این زمینه دارند. ویس و رامین، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، بیژن و منیژه و ... همه از عناوین داستان‌های عاشقانه‌ایی هستند که توسط شاعران مختلف سروده شده‌اند. نگاه هر کدام از این شاعران در این منظومه‌ها به شخصیت‌های ساخته و پرداخته خود گونه‌ایی از روابط میان عاشق و معشوق را به تصویر می‌کشد.

به هر حال می‌توان گفت تم اصلی این گونه داستان‌ها ماجرای دلبری و عشق و دلدادگی دو شخصیت اصلی هر داستان است که به طور کلی منظومه‌ها به نام آن‌ها خوانده می‌شوند.

در دو منظومه‌ی ویس و رامین و خسرو و شیرین این نقش پررنگ زن وجود دارد. نقشی که توسط دو شاعر توانا یعنی فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی گنجوی به خوبی نمایانده شده است.

نظامی گنجوی شاعر بلند آوازه‌ی ایرانی که منظومه خسرو و شیرین را سروده است از شاعران قرن پنجم هجری است. این داستان عاشقانه منظوم در ۶۵۰۰ بیت است که در بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور سروده شده است. او داستان خسرو و شیرین را در سال ۵۷۲ شروع به سرودن کرد و در سال ۵۷۶ به پایان رسانید. منظومه عاشقانه‌ای که کمتر اثر عاشقانه‌ای می‌تواند با آن برابری کند. نظامی این منظومه را به اتابک قزل ارسلان تقدیم کرده است. نظامی این مثنوی را به خاطر دل خویش، به یاد عشق جوان مرگ خود آفاق؛ زنی که به زندگی او شادمانی و زیبا آورده بود سروده است. همچنین به دلیل توجه فرمانروایان و بزرگان عصر شاعر به نظم اینگونه قصه‌ها نظامی را واداشته تا به نظم این داستان اقدام کند.

فخرالدین اسعد گرگانی سراینده‌ی منظومه ویس و رامین از \_شاهکارهای ادب فارسی\_ از شاعران قرن پنجم هجری است. این داستان عاشقانه منظوم در حدود ۸۹۰۴ بیت دارد که در بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور سروده شده است. چنان که از شواهد و قراین برمی‌آید فخرالدین اسعد گرگانی این اثر را از متنی پهلوی به شعر فارسی برگردانده است. که در این ترجمه از تشبیهات و استعارات زیبا و دلپذیر استفاده کرده است و یک شاهکار عظیم خلق کرده است. اما با این حال به متن اصلی داستان

دست نبرده است. شاعر مثنوی را به درخواست ابوالفتح مظفر نیشابوری از زبان پهلوی به پارسی و درآوردن آن به نظم همت گماشت. و مثنوی را به ابوالفتح مظفر نیشابوری حاکم اصفهان تقدیم کرد. فخرالدین این منظومه را به خاطر زیبایی داستان و به خاطر عشق نافرجامی که خود رنجش را کشیده بود و به خاطر حاکم اصفهان سروده است. و این کتاب را در فاصله سال های ۴۳۲ تا ۴۴۶ هجری قمری به نظم در آورده است.

این دو منظومه غنایی به مانند تمامی منظومه های غنایی دیگر به بیان احساسات انسانی از قبیل عشق، دوستی، رنج، نامرادی و هر آنچه روح انسان را ناراحت و متاثر کند می پردازد.

در این پایان نامه به بررسی و تحلیل شخصیت و جایگاه زن در دو منظومه عاشقانه ادبیات فارسی \_ویس و رامین و خسرو و شیرین\_ می پردازیم که در فصل ارائه می گردد.

فصل اول به معرفی زن، در پیش از اسلام می پردازد و اطلاعات جامعی از جایگاه و موقعیت زن در جامعه آن روزگار را در دسترس قرار می دهد. فصل دوم به معرفی جایگاه و موقعیت زن در دوران پس از اسلام می پردازد. فصل سوم و چهارم که کار اصلی پایان نامه است به بررسی جایگاه و شخصیت زن در دو منظومه عاشقانه ویس و رامین و خسرو و شیرین پرداخته است که فصل سوم و چهارم به هفت بخش تقسیم می شود که در بخش اول درباره تاریخچه شاعر و در بخش دوم تاریخ ادبیات اثر بخش سوم خلاصه منظومه بخش چهارم بررسی منظومه بخش پنجم بررسی شخصیت های زن بخش ششم به تحلیل منظومه و بخش هفتم به زیبایی شناسی منظومه می پردازد. و در پایان نتیجه و منابع و چکیده انگلیسی پایان نامه بیان می شود.

برای تهیه این پایان نامه بیش از ۷۰ جلد کتاب و حدود ۲۰ مقاله مورد مطالعه قرار گرفته، که در آخر از ۶۰ جلد کتاب و ۴ مقاله استفاده شده است.

## بیان مساله :

در این پایان نامه موضوع زن و بررسی شخصیت و جایگاه او در منظومه‌های ویس و رامین و خسرو و شیرین مدنظر قرار گرفته شده است.

در این نوع خاص از انواع ادبی عموماً برخوردهای فکری و عاطفی انسان‌ها و نیز عملکردها و رفتارهایشان در تعامل با یکدیگر و حوادث مختلف در گستره وسیعی به تصویر کشیده می‌شود. لذا خصوصیات اخلاقی زنان در خلال واکنش‌ها و رفتارهایشان در مقابل دیگر مردمان جامعه از جنبه‌های مختلف بیشتر و بهتر نمایان می‌شود.

براین اساس می‌کوشیم تا در خلال بخش‌ها و فصل‌های این پایان نامه، تصویر زن را هم از خصوصیات اخلاقی و هم از حیث ویژگی‌های ظاهری و جسمانی بدانگونه که در آئینه‌ی منظومه‌های ویس و رامین و خسرو و شیرین منعکس شده است مجسم سازیم.

بدین لحاظ در مباحث موضوعاتی چون جایگاه و موقعیت زن در پیشینه تاریخ، زن در آیین زرتشت و کتاب اوستا و زن در اسلام را مدنظر قرار داده‌ایم. با توجه به اینکه منظومه‌های غنایی یکی از مهمترین شاخه‌های ادبیات فارسی است و زن همواره به عنوان یکی از مهمترین ارکان منظومه‌های ادبی و به خصوص منظومه‌های غنایی مطرح بوده است و نیز از آنجا که نقد و بررسی و تحلیل شخصیت و جایگاه زن در این منظومه‌ها، موضوعی است که با وجود اهمیت بسیار، تاکنون مورد تحقیق و جستجوی همه جانبه قرار نگرفته است. نویسنده را برآن داشته تا در حد امکان به این موضوع بپردازد.

## سوالات تحقیق:

- ۱- سهم زنان در منظومه‌های غنایی از نظر ادبی و داستانی چقدر بوده است؟
- ۲- تصاویر و تعبیر ادبی مربوط به زن در این منظومه‌ها چگونه است؟
- ۳- این منظومه‌های غنایی به زن بیشتر از چه جنبه‌ای نگریسته‌اند؟
- ۴- در این منظومه‌ها میزان حضور زن در نقش مادر، همسر و معشوق تا چه حد بوده است؟
- ۵- معیارهای زیبایی زن از نظر قدما چه بوده است؟
- ۶- حضور زن در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در این دو منظومه غنایی تا چه حدی بوده است؟

## فرضیه های تحقیق :

قبل از آغاز مراحل تحقیقاتی این پایان نامه، فرضیه های متعددی را مدنظر قرار داده بودیم تا در ضمن انجام مراحل تحقیق درستی و نادرستی آنها را به اثبات برسانیم.

۱- سهم زنان از نظر ادبی و داستانی در منظومه های ویس و رامین و خسرو و شیرین.

۲- تصاویر و تعابیر ادبی مربوط به زن در منظومه های ویس و رامین و خسرو و شیرین.

۳- در منظومه های ویس و رامین و خسرو و شیرین بیشتر به جنبه صوری و ظاهری توجه شده است.

۴- در منظومه های ویس و رامین و خسرو و شیرین زن به عنوان مادر و همسر، کمتر از زن به عنوان معشوق مورد توجه شاعران قرار گرفته است.

۵- معیارهای زیبایی زنان از نظر قدما بیشتر جنبه های صوری و ظاهری وجود زن را در بر می گرفته است.

۶- حضور زن در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در منظومه های ویس و رامین و خسرو و شیرین محدود است.

## هدف های تحقیق :

با توجه به اینکه زن همواره به عنوان یکی از مهمترین ارکان منظومه های ویس و رامین و خسرو و شیرین مطرح بوده است، و از آنجا که نقد و بررسی و تحلیل شخصیت و جایگاه زن در این منظومه ها، موضوعی است که با وجود اهمیت بسیار تاکنون به صورت جدی مورد تحقیق و تفحص قرار نگرفته است، لذا با انجام این تحقیق علاوه بر اینکه کیفیت و کمیت حضور و نقش زن در منظومه های غنایی تعیین و تبیین می شود و زمینه برای انجام تحقیقات بعدی نیز فراهم می شود، با بکارگیری نتایج این تحقیقات، برنامه ریزیهای مختلف اجتماعی و فرهنگی زنان در جامعه امروزی فراهم می آید.

کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری در خصوص زن و مسایل مربوط به او تالیف شده است. اما هدف ما در این پایان نامه بررسی موقعیت، شخصیت و جایگاه زن در آیین پیش از اسلام و بررسی همین موقعیت‌ها در منظومه‌های عاشقانه یاد شده است.

### **سابقه و ضرورت انجام تحقیق:**

با توجه به جستجوی نگارنده در زمینه‌ی حاضر، تحقیقات گوناگونی انجام شده است که مهمترین آنها به قرار ذیل است:

- ۱- بررسی و مقایسه خسرو و شیرین با ویس و رامین، حبیب الله دامچی، خرداد ۱۳۷۶
  - ۲- بررسی داستان ویس و رامین (از نظر عناصر داستانی، موضوع، شخصیت، گفتگو، فضا و....) خیرالنسا محمدپور، شهریور ۱۳۸۳
  - ۳- مقایسه عناصر داستان در چهار منظومه عاشقانه (خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، بیژن و منیژه و سیاوش و سودابه)، خورشید نوروزی، شهریور ۱۳۸۲
  - ۴- بررسی عنصر ساختی تقدیر در دو منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و خسرو و شیرین نظامی، محمد پیری و موسی پیری، ۱۳۸۱
  - ۵- بررسی تطبیقی ویس و رامین و خسرو و شیرین، حسنعلی یوسفی، آذر ۱۳۷۱
- اما آنچه که در این پژوهش محور قرار گرفته است، مفهوم مقام و شخصیت زن در پیش از اسلام با تاکید بر آثار ویس و رامین و خسرو و شیرین و همچنین مقایسه دیدگاه‌های آنان با یکدیگر، که در تحقیقات گذشته به آن توجه لازم نشده است.

### **روش انجام تحقیق:**

توصیف و تحلیل محتوا پس از استخراج داده‌ها. به روش کتابخانه‌ای و در مرحله بعد تطبیقی و تحلیلی.

# فصل اول

## زن پیش از اسلام

در دوران تاریخی پیش از اسلام که هزاره‌های بسیاری را از شروع تاریخ در برمی‌گیرد مبادی و آداب و رسوم فراوانی شکل گرفته و شخصیت‌های زیادی رشد کرده و پرورش یافته‌اند. آداب و سنت‌هایی که جز با تحقیق در مطالعات باستانی از قبیل سنگ نبشته‌ها و تندیس‌ها و آثار به جای مانده از آن دوران برای ما قابل درک نیست.

برای شناسایی و درک درست از شخصیت زن در ایران پیش از اسلام ناگزیر باید جنبه‌های مختلف و متفاوت کارکرد وی را در جامعه از قبیل موقعیت اجتماعی، زناشویی، مادرسالاری، الهه‌ها و ... بازشناسیم تا بتوانیم در نهایت به شخصیت و تحول کلی نقش زن در طول تاریخ پی ببریم.

### ۱-۱: زن و الهه :

در اهمیت مقام و مرتبه‌ی زن در ایران باستان نقش الهه بودن وی و جنبه‌ی تقدیس و تقدسی که برایش قائل بودند به اندازه‌ی کافی روشن‌گر است. یافته شدن تندیسک‌های گلی، سفالی و بعد مفرغی زن در بسیاری از کاوش‌های باستانی ایران (از جمله در هفت تپه، چغازنبیل، سیلک و ...) از اهمیت ایزد بانوان و از وجود مادر سالاری و بقایای آن در ایران کهن سخن می‌گویند. در تقدس زن و زن خدایان در ایران، یافته شدن تندیسک خدا بانویی مادر موسوم به ونوس در تپه سراب کرمانشاه از حدود ۸ هزار سال پیش، تندیسک‌های زن چغامیش از ۶ هزار سال پیش، تورنگ تپه از ۴ هزار سال پیش و تپه مارلیک از ۲ هزار سال پیش قابل ذکر است هم چنین باید گفت که این خدا بانوان با گیاه خدایان و خدایان بانوان مادر پیوند دارند.

در ایران باستان الهه‌های بسیاری پرستش می‌شده‌اند، ایزد بانوان «کریرشه، ننی، اردی و خشه، آناهیتا و پینکر» خدا بانوان آب و باروری‌اند و دیگر زن ایزدان هم چون «پارند، پاردی» نگهبان دارایی مردم، «چیستا یا چیستی» ایزد بانوی دانش و خرد، «دئنازن» ایزد دین، «اشی ارت، ارد و اشی و نگوهی» الهه‌ی توانگری‌اند. اما از میان آنان بزرگترین مقام را «آناهیتا» داشته است. او در حقیقت مظهر صفات اهورامزدا بوده و نامش پس از وی خوانده می‌شده است.<sup>۱</sup>

به طوری که با قدرت یافتن اقوام آریایی در ایران «نانا» و «آناهیتا» و نیایش آنان تداوم می‌یابد و در آثار بازمانده از عصر هخامنشی، آناهیتا در تثلیث خدایان اهورا، مهر و آناهیتا برجاست و این ویژگی تا پایان عصر ساسانی حفظ می‌شود.<sup>۲</sup>

به هر تقدیر، تندیس‌ها و نقش‌ها و نگاره‌های ناهید همه جا پراکنده شد. در "آبان یشت" اوستا که نیز برای گرامی داشتن ناهید سروده شده پیکر ناهید با ریزه کاری وصف شده است: «افسری زرنگار و آراسته به اختران برسر نهاده و گوشواره‌ها و گردنبندی از طلا دارد، میانش باریک و راست، سینه‌اش برآمده و بازوانش سفید و آراسته به یاره‌های سخته است. او موزه‌هایی زرین برپا کرده و ردایی مجلل از خز ببر که زردوزی شده است برتن دارد».<sup>۳</sup>

پس از ورود اقوام آریایی به ایران و تقسیم آن، به گروه‌های مختلف، اقوام بومی ایران مذهب مادر-خدایی داشته و در نواحی مختلف ایران پرستش الهه-مادر رایج بوده است.<sup>۴</sup>

با ظهور زراعت و اشتغال به گله داری، نقش الهه مادر به عنوان مجسم کننده‌ی مظاهر باروری و تولد مشخص‌تر گردیده و نه تنها در قلمرو طبیعت و زندگی طبیعی بلکه در حیطه مسایل زندگی انسان چون تولد و زندگی و مرگ، و نیز حتی زندگی پس از مرگ، به عنوان حمایت کننده و برآورنده‌ی نیازهای انسان پرستش می‌شد.<sup>۵</sup>

در اعتقادات زرتشتی همانطور که آتش پسر اهورامزدا معرفی شده است، سپندارمذ نیز، به عنوان دختر اهورامزدا معرفی شده، خود زرتشت نیز به اصل‌های مادینه توجه داشته است. چنانکه در گائاه‌ها از «سپندارآرمیتی» یا «سپندارمذ» مکرر سخن می‌گوید.<sup>۶</sup>

از نظر ایرانیان باستان، زمین به علت نقش باروری و رویانندگی که دارد نماد و مظهر زن و مادر می‌باشد. از این رو «سپندارمذ» فرشته‌ی نگهبان زمین و مظهر نرم خویی و بردباری و فروتنی اهورامزدا معرفی می‌شود، و هرساله جشن روز ۵ اسفندماه باستانی (۲۹ بهمن خیامی) را برای بزرگداشت وی برپا می‌داشتند.

در سراسر ادوار باستان ارباب انواعی به نام‌های گوناگون به صورت زن مورد ستایش قرار داشته‌اند.

"راولنیسون" می‌نویسد: «در عهد پارت‌ها، اگر شاه عنوان خداوندگار داشت، ملکه را ربه النوع آسمانی می‌خواندند».<sup>۷</sup>

از شش امشاسپند یعنی ایزدان، مهین فرشتگان یا بی مرگان مینوی، سه تن مرد (بهمن، اردیبهشت و شهریور) و سه تن دیگر سپندارمذ (یا شایستگی و فروتنی)، خرداد (یا بهبودی و کامرانی و تندرستی) و مرداد (یا جاودانگی و زندگانی دراز) زن‌اند.



به طور کلی پرستش الهه - مادر یکی از ریشه‌دارترین اعتقادات مذهبی در طول حیات بشری بوده است که در نخستین مراحل تمدن بشر یعنی دوران کهن سنگی گسترش یافته است. نقش زن به عنوان الهه و نوعی از ارباب انواع بعدها نیز حفظ شد. این نقش در روزگاران پسین به صورت فرشتگان آسمانی درآمد و در دین اسلام نیز راه یافت. فرشتگانی که مظهری از زن بودند.

## ۱-۲: زن و دوران مادرشاهی:

چنین می‌نماید که نخستین اجتماعات انسانی در ایران از طریق گروه‌های دودمانی مادر تبار شکل گرفته و به احتمال زیاد مادرسالاری دست کم از آغاز عصر نوسنگی هسته اقتصادی مردم ایران را شکل می‌داده.

تندیسک‌های سیلک گویای آن است که تا هزاره‌ی سوم اهمیت نظام مادر تبار برجاست. در نظر ساکنان بدوی بین‌النهرین منشا حیات مونث بوده است نه مذکر. در ایران پیکره‌هایی بسیار پیدا شده است از زنان برهنه با اعضای مشخصی که سخت برجسته نشان داده شده‌اند. و این یافته‌های ما قبل تاریخی این امکان را به ما می‌دهد که بگوییم ساکنان کهن فلات نیز چنین اندیشه‌ایی از برای منشا حیات داشته‌اند. هسیودوس (HESIODUS) می‌گوید: در آغاز جهان غلبه با زن خدایان و دلاور زنان و پهلوان دوشیزگان بوده است و با آگاهی و اطلاعی که درباره‌ی تفوق زن و سامان مادرشاهی در فلات داریم این امر بعید به نظر نمی‌آید.<sup>۸</sup>

در آغاز زندگی اجتماعات اولیه‌ی بشر، زن کانون خانواده و مرکز قدرت قبیله بوده است. چون زن هم در خانه و هم در بیرون از خانه با مرد در کار تولید و رفع مایحتاج زندگی مشارکت داشته. در نتیجه‌ی این دو فعالیت، یعنی اداره‌ی کانون خانواده و کسب روزی و نیز بچه زائیدن، ارزش و مرتبه‌ی زن را نسبت به مرد برتر می‌ساخته و تعادل قدرت را به طور طبیعی به سود او متمایل داشته است. از این زمان و با این خصایص است که طلیعه‌ی دوره‌ی طولانی مادر شاهی نمایان می‌شود.<sup>۹</sup>

"ویل دورانت" درباره این دوره می‌نویسد: «در دوران مادرشاهی، حق فرمانروایی، حق قضاوت، حق توزیع و اداره‌ی امور خانواده و اجتماع و آنچه که زندگی اجتماعی بشر وابسته به آن بوده همه در دست زن بوده است».<sup>۱۰</sup>

از خصوصیات دیگر این دوره (مادرشاهی) و مقام و منزلتی که برای زنان به عنوان مادر شاه داشته است به موارد دیگر نیز می‌توان اشاره کرد:

"مرتضی راوندی" در کتاب تاریخ اجتماعی ایران می‌گوید: « در دوران مادرشاهی فعالیت کشاورزی و اقتصادی با زنان بوده است و به همین جهت مردان برای زنان ارزش و مقامی بزرگ قائل بودند.... زنان مظهر نعمت و فراوانی به شمار می‌رفتند و قوام و دوام اجتماع را وابسته به آنها می‌دانستند و مردم به اجداد مادری خود که سلسله انساب خود را به آنان می‌رساندند احترام می‌گذارند.<sup>۱۱</sup> این احترام به زن در دوره‌ی مادرشاهی تا به حدی بوده که برای مرده او هم در قبرش آنچه را که در زمان زنده بودن دوست می‌داشته، می‌گذاشته‌اند. به طور مثال در حفرهایی که در تپه ژیان شده به قبرهایی دست یافته‌اند که زن در آنها با انگشتری و دستبند نقره و مفرغ و سینه ریزهای فلزی و گردنبندهایی که مهره‌های مروارید و آویز عقیق دارند دفن شده است.<sup>۱۲</sup> در این عصر بوده که اغلب ارباب انواع به شکل زنان زیبا و خوش اندام و مظهر خرد و دانش تصویر می‌شده‌اند. و مرد به قبیله زن می‌رفته و برای او کار می‌کرده تا بتواند با او ازدواج کند. انحلال دوره‌ی مادرشاهی را نیز دوره‌ایی می‌دانند که در آن شهر با حصارهای سنگی به وجود آمد و پیشه‌ها تقسیم شد و مراتب منصب‌ها معمول گردید. در این دوران که در اثر تکامل ابزار کار و آغاز یک دوره‌ی جدید از تحول تاریخی به وجود آمده به برتری زن بر مرد خاتمه داده و به وحدت زوج و زوجه منتهی گردیده است.

### ۱-۳: زن و کار در جامعه:

زن به علت نقش و جایگاهش در خانواده و میان فرزندان مبدع بسیاری از چیزهای اولیه بوده است.

زن در مقام مادر برای حفظ بقای فرزندان خود و جلوگیری از مرگ و میرشان و حفظ جانشان از سرما و باران و برف دست به کارهایی می‌زند. یکی از کارهای مهم وی در این زمینه خانه سازی است. زن با کندن کوه‌ها و سنگ‌ها اولین سرپناه‌ها و به نوعی خانه‌های اولیه را بنا می‌نهد. همین کندن سنگ‌ها و صخره‌ها است که در طول زمان بیشتر و بیشتر می‌شود و به طور رسمی اولین خانه‌ها شکل می‌گیرند.

به همین ترتیب برای نجات فرزندان از بیماری نیز بسیاری از ریشه‌های گیاهان خوراکی توسط زن شناخته شده و کاربرد و خاصیتشان نجات بخش جان فرزندان می‌شده است.

«گیرشمن» از نقش زن در پیدایش تمدن ابتدایی سخن می‌گوید و می‌نویسد: « در جامعه‌ی بدوی وظیفه مخصوصی بر عهده‌ی زن گذاشته شده بود. زن در فلات ایران گذشته از آنکه نگهبان آتش و شاید اختراع کننده‌ی ظروف سفالین بوده، می‌بایست چوب‌دستی گرفته، در کوهها به جستجوی ریشه‌های خوردنی نباتات یا جمع‌آوری میوه‌ها بپردازد».<sup>۱۳</sup>

زن در دوران ایران باستان کارهای قبیله را اداره می‌کرده و به مقام روحانیت نیز می‌رسیده و در عین حال سلسله انساب خانواده به نام زنان خوانده می‌شد؛ زیرا زن ناقل خون قبیله به خالص‌ترین شکل خود به شمار می‌رفت.

زنان به این علت که در خانه می‌ماندند و اداره‌ی امور خانواده به عهده‌شان بود مهمترین نقش را در حفظ بقای نسل و فرزندان خود داشتند. پدر در این دوران که برای تهیه‌ی خوراک مجبور به رفتن شکار و اینگونه کارها بود مسلماً با خطرات بیشتری از نظر مرگ و میر مواجه می‌شد. از اینرو زن می‌بایست از فرزندان خود نگهداری کند و آنها را پرورش دهد. به همین سبب فرزندان نیز مادر را به عنوان نگه‌دارنده‌ی جان و تامین کننده‌ی مایحتاج زندگی خود می‌شناختند. این دلایل خود به اهمیت وجود زن به عنوان مادر به خوبی اشاره می‌کند.

در مورد پیشرفت امور اقتصادی به دست زنان "ویل دورانت" می‌نویسد: « در اجتماعات ابتدایی قسوت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده است نه به دست مردان. زنان در آن هنگام که مردان قرن‌های متوالی فقط به شکار اشتغال داشتند، به تدریج زراعت را ترقی دادند و هزاران هنر خانگی را ایجاد کردند که هر یک روزی پایه‌ی صنایع بسیار بزرگی شده است».<sup>۱۴</sup>

در عهد داریوش زنان به عنوان کارگر نیز دیده می‌شوند و حتی الواح و مدارک به دست آمده از آن دوران نشان‌دهنده‌ی افزونی کارگران زن نسبت به مرد در آن دوران بوده است.<sup>۱۵</sup>

در دوره‌ی اشکانیان نیز زنان ( که نیمی از نفوس مملکت را تشکیل می‌دادند) با فعالیتهای تولیدی و اقتصادی خود اساس زندگی و پایه‌ی قدرت اعیان و طبقات حاکمه را تشکیل می‌دادند.

در دوره‌ی ساسانیان نیز، زنان طبقات پایین و متوسط هم در شهرها و روستاها برای امرار معاش و تامین زندگی، دوشادوش مردان در کارهای تولیدی و کشاورزی شرکت داشته‌اند.

زن ( بنا برآنچه در دوران مادها بدست آمده) از حق قضاوت و حق انتخاب رئیس قبیله و حقوق کامل برخوردار بوده است».<sup>۱۶</sup>

زن همچنین در دوران هخامنشیان دوشادوش مردان در فعالیت‌های تولیدی شرکت داشته‌اند. در نتیجه مطابق قواعد امروز فعالیت اقتصادی زن را می‌توان نشانه‌ی آزادی اجتماعی و استقلال شخصیت وی در آن عهد تلقی کرد. در آن دوران عمده فعالیت‌های صنعتی و ساختمانی (به علت اینکه مردها بیشتر در ارتش خدمت می‌کردند) به عهده زنان بوده است.<sup>۱۷</sup>

بدین ترتیب زن با کشاورزی ابتدایی خود، در دوره‌ی حجر متاخر، دست به ابداعات تازه‌ایی زد. در نتیجه عدم تعادلی بین وظایف زن و مرد ایجاد شد.

#### ۱-۴: جایگاه و حقوق اجتماعی زنان:

در این بخش به بازکاوی جایگاه زن در اجتماع ایران باستان می‌پردازیم و حقوق و احترامات زن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در ذیل به بخشی از این آداب و رسوم اشاره می‌شود:

در هزاره‌ی سوم و دوم ق.م نقش زنان در جامعه‌ی کهن ایلام نسبت به مردان برتر بوده. در این دوره که تا مدت‌ها پس از آن نیز ادامه پیدا کرده پادشاهی از طریق مادر انتقال می‌یافته است. این دوران که از ادوار اولیه تاریخ ایران است نشان دهنده‌ی احترام بسیار زیادی است که از همان ابتدا در تمدن ایرانی برای زن قائل بودند. در این تمدن همچنین از نظر سیستم سیاسی نیز زن به عنوان مادرشاه مطرح بوده و از احترام بسیاری برخوردار بوده است.

زن به جز انتقال خون و نسب به خالص‌ترین شکل به دیگر فرزندان و دیگر نسل‌ها، در اجتماع آن روز کارها و مشاغل مهم دیگری را نیز عهده‌دار بوده است.

زن به طور کلی در امر تعلیم و تربیت و پیشرفت امور اقتصادی و حل و فصل مشکلات زندگی و حتی در میدان‌های جنگ شرکت می‌کرده و پا به پای مردان و حتی در برخی مسائل بیشتر از آنان در این امور شرکت می‌جسته است. در کتاب ماتیکان هزار داتیستان آمده است: « زن در پیشرفت تربیت اخلاقی و روحی تمام ملت سهم بسزایی داشته و مانند یک مربی اخلاق عمل می‌کرده است».<sup>۱۸</sup>

همچنین در ایران دوره کیانی دختران طبقات ممتاز و متوسط خواندن و نوشتن می‌آموختند و حتی می‌توانستند در مدارج عالی تحصیل کنند. این تحصیلات در زنان آنان را عهده دار تعلیم وظایف دستوری و روحانیت می‌کرده است. مطالعه و تحصیل علم حقوق در میان زنان عصر ساسانی نیز رواج داشته، و یغ نسک صریحا از تعلیمات زن در فن خانه داری بحث می‌کند.